

زبان فارسی با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده است، ولی هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. با این حال اکثر ایرانیان از این هویت گسترده خبر ندارند.

به طور مثال قبل از استعمار هند توسط انگلیس، در زمان حکومت گورکانیان در هند، که ادامه‌دهنده امپراتوری تیموریان در هند بودند، فارسی‌زبان رسمی این امپراتوری وسیع بود [۸]. یا نقل میکنند که وقتی که شاه اسماعیل صفوی در ابتدای یکی از جنگهای خود قطعشعری به زبان آذری برای پادشاه عثمانی فرستاد، پادشاه عثمانی شعری فارسی را در جواب او، برای شاه اسماعیل پس فرستاد. زبان فارسی جدا از اینکه زبان اصلی مردم سرزمین ایران با قومیت‌های مختلف بوده است، نفوذی بسیار در کشورهای مجاور خود همچون امپراتوری‌های گورکانیان هند و عثمانی داشته است. این همه نفوذ قطعاً بدون حکمت نبوده است، آنهم در حالی که در کنار نفوذ زبان فارسی، نفوذ فرهنگ ایرانی هم در فرهنگ‌های دیگر دیده میشود و به طور مثال در امپراتوری گورکانیان در کنار دین اسلام، فرهنگ ایرانی جزو سرلوحه‌های فرهنگیشان بوده است. این نفوذ فرهنگی تا به آن حد است که ریچارد نلسون فرای؛ استاد بازنشسته‌ی دانشگاه هاروارد معتقد است که «...عربها دیگر نقش ایران و زبان فارسی را در شکلگیری فرهنگ اسلامی درک نمیکنند. شاید آنان آرزو دارند که گذشته را فراموش کنند، ولی با این کار آنها ریشه‌های معنوی، اخلاقی و فرهنگی خودشان را حذف میکنند...».

در سال ۱۸۷۲ در نشست ادیبان و زبان‌شناسان اروپایی در برلین، زبانهای یونانی، فارسی، لاتین و سانسکریت به عنوان زبانهای کلاسیک جهان برگزیده شدند. بر اساس تعریف، زبانی کلاسیک محسوب میشود که اولاً باستانی باشد، ثانیاً ادبیات غنی داشته باشد و ثالثاً در آخرین هزاره‌ی عمر خود تغییرات اندکی کرده باشد.

از: ویکیپدیا، دانشنامه آزاد